

تقریر درس تفسیر ترتیبی از ابتدای قرآن کریم آیت الله اراکی

مقرر	حجت الاسلام قادر بریسم	جلسه	تاریخ	۱۴۰۴ / ۰۸ / ۱۰
عنوان ۱	تفسیر ترتیبی از ابتدای قرآن کریم			
عنوان ۲	تفسیر سوره «حمد»			
عنوان ۳	تفسیر آیه «اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ»			
	روایات در باب «صراط مستقیم»			
	❖ دسته نخست: روایات تبیین کننده مصداق صراط مستقیم			
	❖ دسته دوم: روایات بیان کننده اوصاف صراط مستقیم			
	➤ معنای مرور بر صراط در قیامت			

الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا محمد و آله الطیبین الطاهرین

چکیده

مفهوم «صراط مستقیم» در روایات اسلامی از دو منظر اصلی تبیین شده است:

۱. تبیین مصداق: دسته‌ای از روایات، مصادیق عینی صراط مستقیم را معرفی می‌کنند. این مصادیق شامل «کتاب الله» (قرآن)، «امیرالمؤمنین (علیه السلام)» و «اهل بیت پیامبر (علیهم السلام)» می‌باشند. این موارد در حقیقت اموری جدا از یکدیگر نیستند؛ بلکه دو روی یک سکه‌اند؛ قرآن به مثابه «کتاب صامت» و امام به منزله «کتاب ناطق»، اتحادی جدایی ناپذیر دارند و منهج و شیوه عمل را روشن می‌سازند.

۲. تشریح اوصاف: دسته دیگر از روایات به توصیف ویژگی‌های صراط پرداخته‌اند. در این روایات، صراط «باریک‌تر از مو و تیزتر از شمشیر» وصف شده است. این اوصاف کنایه از دقت و ظرافت فوق‌العاده مسیر حق و لزوم محاسبه و مراقبت شدید در عمل است تا انطباق کامل با رضایت الهی حاصل شود. نحوه عبور افراد از این صراط نیز متفاوت است؛ برخی چون برق، برخی دوان و برخی کِشان‌کشان عبور می‌کنند که این تمثیلی از مراتب ایمان و عمل صالح انسان‌ها در دنیا است.

مفهوم صراط با مقام «قسیم النار و الجنة» بودن امیرالمؤمنین (علیه السلام) پیوندی عمیق دارد. از آنجاکه ایشان خود، تجسم صراط مستقیم هستند، ولایت و راه آن حضرت، معیار جدایی صفوف بهشتیان از دوزخیان در قیامت است. بر همین اساس، «مرور بر صراط» در قیامت، به معنای عبور از یک پل فیزیکی نیست؛ بلکه کنایه‌ای از قرار گرفتن در صف اهل بیت (علیهم السلام) و سنجیده شدن بر اساس معیار ولایت ایشان است. سرعت و کیفیت این الحاق، به میزان پایبندی هر فرد به این صراط در دنیا بستگی دارد.

روایات در باب «صراط مستقیم»

در باب «صراط مستقیم»، به شماری از روایات وارده در این زمینه اشاره شد. این روایات در چند دسته قابل تقسیم بندی است:

دسته نخست: روایات تبیین کننده مصداق صراط مستقیم

یک دسته از روایات، مصداق «صراط مستقیم» را تبیین کرده اند. برخی از این روایات، صراط مستقیم را «کتاب الله» معرفی کرده اند؛ چنان که در مجمع البیان از حضرت امیر علیه السلام نقل شده است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله صراط مستقیم را به «کتاب الله» تفسیر فرموده اند.^۱ این بیان، اشاره به مصداق صراط مستقیم دارد که همان «کتاب الله» است. برخی دیگر از روایات، مصداق صراط مستقیم را امیرالمؤمنین علیه السلام دانسته اند.^۲

همچنین دسته ای از روایات، صراط مستقیم را محمد و آل محمد علیهم السلام معرفی کرده اند؛ از جمله در روایات آمده است:

«... وَنَحْنُ الصِّرَاطُ الْمُسْتَقِيمُ...»^۳

یعنی پیامبر اکرم و ائمه هدی علیهم السلام صراط مستقیم هستند.

بنابراین، این دسته از روایات، صراط مستقیم را با ارائه مصداق، معرفی کرده اند.

اما از نظر مفهومی، معنای لغوی «صراط» معلوم است؛ صراط، راهی است که انسان را از میان دو چیز به مقصد می رساند؛ از این رو مفهوم صراط را اجمالاً «جُسر» و پل می دانند؛ اما از نظر مصداقی، این صراط در روایات به «کتاب الله»، یا به «امیرالمؤمنین» و یا به «اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله» تفسیر شده است.

گاهی انبیا نیز در شمار مصادیق صراط مستقیم ذکر شده اند؛ یعنی انبیا و محمد و آل محمد علیهم السلام صراط مستقیم معرفی گردیده اند.

در تفسیر «میزان» و «موازین قسط» آیات کریمه ای نظیر: «اللَّهُ الَّذِي أَنْزَلَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ وَالْمِيزَانَ...»^۴ و «لَقَدْ أَرْسَلْنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ...»^۵ و مخصوصاً در «وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا...»^۶ گفته شده: «هُمُ الْأَنْبِيَاءُ وَالْأَوْصِيَاءُ»^۷ که این هم بیان مصداق است. توضیح و تبیین این تطابق ها به بحث تفسیری مستقل نیاز دارد؛ اما اجمالاً باید گفت در قرآن، چهار واژه قرآنی وجود دارد که با یکدیگر تطابق معنایی دارند: «صراط، میزان، شاهد و طریق».

۱. ر. ک: مجمع البیان فی تفسیر القرآن؛ ج ۱، ص ۱۰۴.

۲. ر. ک: تفسیر العیاشی؛ ج ۱، ص ۲۴.

۳. معانی الأخبار؛ ص ۳۵.

۴. سوره شوری؛ ۱۷.

۵. سوره حدید؛ ۲۵.

۶. سوره انبیاء؛ ۴۷.

۷. توحید صدوق؛ ص ۲۶۸.

مثلاً در آیه کریمه سوره زمر آمده است:

﴿وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَوُضِعَ الْكِتَابُ وَجِيءَ بِالنَّبِيِّينَ وَالشُّهَدَاءِ وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ﴾^۱

شهداء به شکلی، با معنای میزان و صراط مستقیم، ارتباط دارند.

همه این مصداق با هم متحدند؛ یعنی کتاب، صراط مستقیم و امام نیز صراط مستقیم است؛ چون امام و کتاب با هم تطابق دارند و از هم جدا نیستند. در روایتی نقل شده که سؤال کردند: اخلاق رسول خدا صلی الله علیه و آله چگونه بود؟ پاسخ داده شد: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله خُلُقُهُ الْقُرْآنُ»^۲؛ قرآن کریم همان سیره، سلوک و شخصیت رسول خدا صلی الله علیه و آله است؛ یعنی اتحادی بین امام و کتاب، وجود دارد.

پرسشگر: ناطق نیز هست.

استاد: بله، ناطق هم تعبیر خوبی است. قرآن، کتاب صامت است و امام کتاب ناطق. در روایت حضرت امیر علیه السلام هم می خوانیم که فرمود:

«ذَلِكَ الْقُرْآنُ فَاسْتَنْطِقُوهُ وَلَنْ يَنْطِقَ وَلَكِنْ أَخْبَرَكُمْ عَنْهُ أَلَا إِنَّ فِيهِ عِلْمَ مَا يَأْتِي وَالْحَدِيثَ عَنِ الْمَاضِي وَدَوَاءَ دَائِكُمْ وَنَظْمَ مَا بَيْنَكُمْ»^۳

این روایت هم مؤید همین معناست که کتاب و امام، هر دو، دو روی یک سکه هستند و با هم تطابق دارند؛ لذا بیان مصداق «صراط» به «کتاب» یا «محمد و آل محمد علیهم السلام» که همان امام است، ناظر به این حقیقت است و لذا مصداق صراط مستقیم، هم کتاب است و هم امام، منتها کتاب و امام، دو چیز نیستند؛ چون منظور از «صراط» در اینجا عمل، شیوه و منهج عمل است که هم قرآن را شامل می شود و هم امام.

دسته دوم: روایات بیان کننده اوصاف صراط مستقیم

دسته دیگر از روایات، به بیان اوصاف صراط مستقیم پرداخته اند.

مرحوم قمی در تفسیرش نقل می کند: عن سعدان بن مسلم عن أبي عبد الله علیه السلام قال:

«سَأَلْتُهُ عَنِ الصِّرَاطِ، فَقَالَ: هُوَ أَدَقُّ مِنَ الشَّعْرِ وَأَحَدٌ مِنَ السَّيْفِ»

صراط، باریک تر از مو و تیزتر از شمشیر است.

«فَمِنْهُمْ مَنْ يَمُرُّ عَلَيْهِ مِثْلُ الْبَرْقِ، وَمِنْهُمْ مَنْ يَمُرُّ عَلَيْهِ مِثْلُ عَدُوِّ الْفَرَسِ، وَمِنْهُمْ مَنْ يَمُرُّ عَلَيْهِ مَاشِيًا، وَمِنْهُمْ مَنْ يَمُرُّ عَلَيْهِ حَبْوًا»

«حبوا» به معنای حرکت با دست و پا است.

«وَمِنْهُمْ مَنْ يَمُرُّ عَلَيْهِ مُتَعَلِّقًا»

۱. سوره زمر: ۶۹.

۲. مجموعه ورام؛ ج ۱، ص ۸۹.

۳. نهج البلاغه؛ خطبه ۱۵۸.

برخی به آن، آویخته‌اند و از آن می‌گذرند.

«فَتَأْخُذُ النَّارُ مِنْهُ شَيْئًا وَتَتْرُكُ مِنْهُ شَيْئًا»^۱؛

کسانی که با حالت آویختگی، از صراط می‌گذرند، از آتش دوزخ، بی‌بهره نخواهند بود و مقداری از آن به ایشان اصابت می‌کند.

این تفسیر صراط، ولی با ذکر اوصاف آن است و علت ذکر این اوصاف دقیق، همان است که گفتیم عمل و نوع و سنخش حقیقت صراط را تشکیل می‌دهد و انطباق عمل با آنچه خدای متعال می‌فرماید، چنین است.

اگر می‌فرماید: «وَنَضْعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَإِنْ كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَا بِهَا وَكَفَى بِنَا حَاسِبِينَ»؛ و می‌فرماید حتی از مِثْقَال ذره‌ای، فروگذار نمی‌کنیم، نشان از دقت محاسبه عمل دارد.

بیان دیگر این دقت، در همین روایت، ذکر شده که «أَدَقُّ مِنَ الشَّعْرِ» است؛ یعنی راه رفتن بر آن، نیاز به دقت و مواظبت بسیاری دارد و «وَأَحَدٌ مِنَ السَّيْفِ»؛ یعنی عبور از آن، بسیار دشوار است و این به نوعی، تفسیر آیه «وَنَضْعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا...» نیز هست. گفتیم که موازین قسط هم به انبیاء و اوصیاء، تفسیر شده. در آیه دیگر می‌فرماید:

«وَأَنْ لَوْ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَهُمْ مَاءً عَذَقًا»^۲؛

این طریقه نیز به امیرالمؤمنین علیه السلام و ولایت آن حضرت، تفسیر شده که نشان می‌دهد این روایات و آیات، یکدیگر را تفسیر می‌کنند. پس اگر گفته می‌شود صراط مستقیم، امیرالمؤمنین علیه السلام است، یعنی خود حضرت و عملش تجسمی از این صراط مستقیم است. صراط مستقیم ما نیز پذیرش اطاعت و ولایت محض آن حضرت به شمار می‌رود.

ارتباط «قسیم النار و الجنة» با صراط مستقیم

پرسشگر: روایت «قسیم النار و الجنة»^۳ نیز اشاره به همین دارد؟

استاد: «قسیم النار و الجنة» به این موضوع هم ارتباط دارد؛ منتها به مطلبی دیگر در روز قیامت، اشاره می‌کند که در سوره اعراف، ذکر گردیده:

«وَيَبْنِيهِمَا حَبَابٌ وَعَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كُلًّا بِسِيمَاهُمْ وَنَادَوْا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ أَنْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ لَمْ يَدْخُلُوهَا وَهُمْ

يَظْمَعُونَ»^۴؛

۱. تفسیر القمی؛ ج ۱، ص ۲۹. [ترجمه کامل روایت: از ایشان درباره «صراط» پرسیدم. فرمودند: «آن (پل)، از موناژک‌تر و از شمشیر بُرنده‌تر است. در میان مردم، گروهی همانند آذرخش از آن عبور می‌کنند، گروهی دیگر به سان اسب تیزرو می‌گذرند، دسته‌ای پیاده از آن عبور کرده و دسته‌ای دیگر سینه خیز و با دشواری فراوان می‌گذرند. و گروهی نیز درحالی‌که [به آن] آویخته و معلق‌اند، از آن عبور می‌کنند که آتش (دوزخ) پاره‌ای از [بدن] آنها را در بر می‌گیرد و پاره‌ای دیگر را رها می‌کند].

۲. سوره جن: ۱۶.

۳. «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ علیه السلام: إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ يُؤْتَى بِكَ يَا عَلِيُّ عَلَى نَجِيبٍ مِنْ نُورٍ وَعَلَى رَأْسِكَ نَاحٌ قَدْ أَضَاءَ نُورُهُ وَكَأَدَ يَخْطِفُ أَبْصَارَ أَهْلِ الْمُوقِفِ فَيَأْتِي النَّدَاءُ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ جَلَّ جَلَالُهُ أَيْنَ خَلِيفَةُ مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ فَتَقُولُ هَا أَنَا ذَا قَالَ فَيُنَادِي الْمُنَادِي يَا عَلِيُّ ادْخُلْ مَنْ أَحَبَّكَ الْجَنَّةَ وَمَنْ عَادَاكَ النَّارَ فَأَنْتَ قَسِيمُ الْجَنَّةِ وَأَنْتَ قَسِيمُ النَّارِ»؛ [الأمالی للصدوق؛ ص ۳۶۱].

۴. سوره اعراف: ۴۶.

و در روایت - و در تفسیر این آیه - می خوانیم:

«... فَلَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ عَرَفَنَا وَعَرَفْنَاهُ وَلَا يَدْخُلُ النَّارَ إِلَّا مَنْ أَنْكَرْنَا وَأَنْكَرْنَاهُ...»^۱؛

«رجال اعراف» به ائمه هدی علیهم السلام تفسیر شده که به وسیله ایشان صف بهشتیان و دوزخیان از هم جدا می شود:

«وَأَمَّا زُورُ الْيَوْمِ أَيُّهَا الْمُجْرِمُونَ»^۲؛

«قسیم النار و الجنة» تنها در روایت نیامده؛ بلکه در حقیقت، در خود قرآن، ذکر شده و تفسیر همین آیه سورة اعراف است؛ چون پیش از جداسازی صف ها، بهشت نیز محقق نخواهد شد. وقتی که صراط مستقیم را علی بن ابی طالب علیه السلام معرفی می کند، نشان می دهد که جدا شدن صف ها نیز با آن حضرت، تحقق می یابد و رجال اعراف، همه، صراط مستقیمی هستند که امتیاز با ایشان حاصل می شود. پس «قسیم النار و الجنة» با این موضوع، بی ارتباط نیست.

معنای مرور بر صراط در قیامت

پرسشگر: معنای مرور بر صراط چیست؟

استاد: مرور بر صراط، به معنای قرار گرفتن در صف اهل بیت علیهم السلام است. اگر کسی به سلامت از صراط بگذرد، در صف اهل بیت علیهم السلام قرار می گیرد و آن که از صراط نمی گذرد یا توان عبور از آن را ندارد و دوزخ نصیب او می گردد، با همین صراط، از اهل هدایت، جدا می شود و این جدایی، با ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام و اصحاب الأعراف، صورت می گیرد. پس جدا شدن یا مرور بر صراط، به معنای گذشتن ظاهری از یک پل نیست؛ بلکه حکم کنایه را دارد؛ لذا اگر می فرماید برخی مثل برق از صراط می گذرند، به این معناست که در همان لحظه حضور، تکلیفشان روشن است و به صف علی بن ابی طالب علیه السلام می پیوندند؛ اما برخی نیز به سادگی به آن صف نمی پیوندند؛ بلکه با اندکی انتظار و معطلی، موفق می شوند؛ اما عده ای هم بیشتر منتظر می مانند و عده ای برای اینکه در آن صف قرار گیرند، ابتدا آتش، دامنشان را می گیرد. ظاهراً مقصود از اوصاف صراط، همین است.

و صلّی الله علی محمد و آله الطاهرين

۱. الکافی؛ کتاب الحجّة، باب معرفة الإمام والردّ إليه، ح ۹.

۲. سورة یس: ۵۹.